

Original Article

**Muslim Physicians' Approach towards Medical Ethics in Islamic Civilization Era
Case study of Ishaq bin Ali al-Rahawi and Mohammad Hossein Aqili Khorasani**

Akbar Aghayani Chavoshi^{1*}, Sayyed Ziaoddin Olyanasab²

1. Assistant Professor, Behavioral Sciences Research Center, Life Style Research Institute, Medical Ethics Department, School of Medicine, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Email: chavoshi.ak@gmail.com

2. Associate Professor, at Hazrate Masoumeh University, Qom, Iran.

Received: 4 May 2016 Accepted: 19 Sep 2016

Abstract

Background and Aim: Muslim physician's achievements in medical ethics are derived by a special attention they have had to their own professions. This attitude has reached a special position in the history of Islamic medicine in the light of Islamic doctrine. Nowadays, their valuable heritage can be influential in regulating Muslim's new approach towards medical ethics.

Materials and Methods: Using descriptive-analytical approach, the researchers have studied two famous physician's works from Islamic civilization era, categorizing their ethical instructions and directives in the realm of health care and then, analyzing the findings, deducted their medical ethical principles.

Finding: The present study shows that the basis of ethical recommendations and guidelines in the works of Rohawi and Aqili Khorasani in the interaction of physician and patient in a similar framework are the following seven ethical principles: trusting in God, profit, non-harm, justice, trust, compassion and goodness

Conclusion: The compliance of the ethical principles derived from the works of these two scientists indicates that the seven principles mentioned above are the basic principles of medical ethics in the Islamic period, which doctors have emphasized on their adherence and observance.

Keywords: Islamic Medical Ethics History; Principles of Medical Ethics; Rahawi; Aqili Khorasani; Adab al-Tabib; Khulasah al-Hikmah

Please cite this article as: Aghayani Chavoshi A, Olyanasab SZ. Muslim Physicians' Approach towards Medical Ethics in Islamic Civilization Era Case study of Ishaq bin Ali al-Rahawi and Mohammad Hossein Aqili Khorasani. *Med Hist J* 2016; 8(28): 7-17.

رویکرد پزشکان مسلمان به اخلاق پزشکی در دوره تمدن اسلامی، مطالعه موردی آثار اسحق بن علی الرهاوی و محمدحسین عقیلی خراسانی

اکبر آقایی چاوشی^{۱*}، سیدضیاءالدین علیانسیب^۲

۱. استادیار، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، پژوهشکده سبک زندگی، گروه اخلاق پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بقیةالله (عج)، تهران، ایران.

(نویسنده مسؤول) Email: chavoshi.ak@gmail.com

۲. دانشیار دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران.

دریافت: ۱۳۹۵/۲/۱۵ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۲۹

چکیده

زمینه و هدف: دستاورد پزشکان مسلمان در اخلاق پزشکی حاصل توجه ویژه‌ای است که آنان به مسائل اخلاقی در حرفه خویش داشته‌اند. این نگرش در پرتو آموزه‌های اسلامی به ثمر نشسته و در تاریخ پزشکی اسلامی جایگاهی ویژه یافته است. میراث ارزشمند آنان امروز می‌تواند در سامان‌دهی رویکرد نوین مسلمانان به مسائل اخلاق پزشکی مؤثر باشد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش کوشیده است تا با روش توصیفی - تحلیلی، کتاب «ادب‌الطیب» اثر معروف «اسحق بن علی الرهاوی» پزشک نامی قرن سوم قمری و کتاب «خلاصه‌الحکمه» اثر «حکیم میرمحمدحسین عقیلی خراسانی» دانشمند برجسته قرن دوازدهم قمری را مورد بررسی قرار داده، رهنمودها و دستورالعمل‌های اخلاقی آنان را در حیطه خدمات بهداشتی و درمانی به دست آورده، دسته‌بندی کند، سپس با تتبع و تحلیل یافته‌ها، اصول اخلاق پزشکی مورد نظر آنان را استنتاج نماید.

یافته‌ها: پژوهش حاضر نشان می‌دهد مبنای توصیه‌ها و دستورالعمل‌های اخلاقی در آثار رهاوی و عقیلی خراسانی در تعامل پزشک و بیمار در چارچوبی مشابه ناظر به هفت اصل اخلاقی: توکل به خدا، سودرسانی، عدم آسیب‌رسانی، عدالت، امانتداری، شفقت و احسان است.

نتیجه‌گیری: مطابقت اصول اخلاقی به دست‌آمده از آثار این دو دانشمند حاکی از آن است که اصول هفت‌گانه مذکور از اصول مهم اخلاق پزشکی در دوره اسلامی بوده است که پزشکان بر پایبندی و مراعات آن‌ها تأکید نموده‌اند.

واژگان کلیدی: تاریخ اخلاق پزشکی اسلامی؛ اصول اخلاق پزشکی؛ رهاوی؛ عقیلی خراسانی؛ ادب‌الطیب؛ خلاصه‌الحکمه

مقدمه

حرفه پزشکی در شمار اولین حرفه‌هایی است که در طول تاریخ ملاحظات اخلاقی در آن مورد توجه بوده است. سوگندنامه‌ها و توصیه‌های اخلاقی به جامانده در آثار پزشکان نام‌آور دلیلی بر این مدعا است. در آموزه‌های اسلامی نیز بر اهمیت این موضوع تأکید فراوان شده است. امام علی (ع) می‌فرماید: «کسی که پزشکی را حرفه خویش قرار داده است، باید تقوای الهی داشته باشد» (۱) و در حدیث دیگر می‌فرماید: «تقوا رییس اخلاق است» (۲). بر این اساس معلوم می‌شود که حرفه پزشکی نمی‌تواند به دور از فضایل اخلاقی رسالت مهم خویش را به انجام برساند. تنیدگی اخلاق با حرفه پزشکی در سیره عملی و در آثار پزشکان دوره تمدن اسلامی نیز به خوبی نمایان است. پزشکان برجسته‌ای که کسب فضایل اخلاقی را برای ورود به حرفه پزشکی ضروری دانسته‌اند و به کارستن آن را در خلال روش‌های درمانی مورد تأکید قرار داده و در عین حال آموختن علوم پزشکی به افراد ناباب و نالایق را به هیچ وجه روا نداشته‌اند (۳). احیای این میراث پربها و بهره‌برداری از آن در حرفه پزشکی ضرورتی انکارناپذیر است. از این رو تحقیق پیش رو کوشیده است تا با جستجو در آثار دو تن از پزشکان نام‌آور دوره تمدن اسلامی، اولاً دستورالعمل‌ها و توصیه‌های اخلاقی آنان را در حیطه خدمات بهداشتی و درمانی به دست‌آورده دسته‌بندی کند؛ سپس با تتبع و تحلیل یافته‌ها، اصول اخلاق پزشکی مورد نظر آنان را استنتاج نماید. بر این اساس از دوره شکوفایی تمدن اسلامی کتاب «ادب الطیب اثر اسحق بن علی الرهاوی» پزشک نام‌آور قرن سوم قمری و از دوره افول تمدن اسلامی کتاب «خلاصه الحکمه» تألیف «حکیم محمدحسین عقیلی خراسانی» پزشک پراوازه قرن دوازده قمری را انتخاب نموده، مورد بررسی قرار می‌دهد تا علاوه بر آشنایی جامعه پزشکی با بخشی از تاریخ اخلاق پزشکی دوره اسلامی، بر به‌کار بستن اصول اخلاق پزشکی اسلامی در مراکز بهداشتی و درمانی تأکید نماید.

۱- اسحق بن علی الرهاوی

درباره اسحاق بن علی الرهاوی در کتاب‌های تذکره و تراجم مطلب قابل توجهی دیده نمی‌شود. «ابن ابی‌اصیبیه» تنها تاریخ‌نگاری است که در «عیون الانباء فی طبقات الاطباء» چندین بار از اثر او به نام «ادب الطیب» یاد کرده است، لیکن به تاریخ ولادت یا وفات و یا گرایش اعتقادی و زادگاه رهاوی اشاره‌ای نکرده است. او در شرح حال «ابن ماسه» می‌گوید: «رهاوی پزشکی را مستقیماً از ابن ماسه اخذ کرد.» این عبارت گویای آن است که رهاوی با یوحنا بن ماسه (متوفی ۲۴۳ ق.) هم‌روزگار بوده و از پزشکان قرن سوم قمری به شمار می‌آید (۴). ابن ابی‌اصیبیه درباره رهاوی می‌گوید: «وی پزشکی برجسته، عالم به آرا و سخن جالینوس بود و آثار سودمندی در حرفه پزشکی دارد.» وی سپس از سه کتاب رهاوی نام می‌برد که از جمله آن‌ها «ادب الطیب» است (۵). از انتساب رهاوی به شهر «رُها» احتمال می‌رود در این شهر یا حومه آن چشم به جهان گشوده باشد (۴). رهاوی در «ادب الطیب» از ایمان به خدای بی‌همتا و خالق هستی با اجلال و تعظیم سخن می‌گوید و از لطف و رحمت او یاد می‌کند. وی تدبیر امور هستی و آفرینش انسان و درمان دردها و آلام او را از جانب خدا می‌داند و طبیب را وسیله‌ای در درمان بیماری‌ها به شمار می‌آورد. وی علاوه بر پایبندی به شریعت، ایمان و اعتقاد خود را به پاداش و کیفر در جهان دیگر آشکار می‌سازد (۴). رهاوی در دیباجه «ادب الطیب» تصریح می‌کند که آن را برای ثواب در درگاه الهی و نیز فوایدی که در پزشکی و اشتغال بدان وجود دارد نگاشته است. وی می‌گوید: «من تمام آدابی را که طبیب باید نفس خویش را بدان مؤدب نماید و اخلاق پسندیده‌ای را که باید طبع خود را بدان تربیت کند، گرد آورده‌ام. بدین نیت که در این کار ثواب به دست آورم و به یاری و تأیید الهی در این کار امیدوارم» (۴) و نیز می‌گوید: «نخستین قصد ما از تأدیب پزشک در وهله اول، نیکویی نفس و تربیت اخلاق است. ما این مقصود را بر مصالح جسمانی او مقدم داشتیم، زیرا منزلت نفس بر جسم تقدم دارد» (۴). رهاوی از رهگذر تألیف «ادب الطیب» علاوه بر آموزش آداب حرفه پزشکی، بر آن بوده تا مبانی اعتقادی پزشکان را تقویت

نماید و آنان را از گرایش به امور پست و نیرنگ بازی و تاراج اموال ساده لوحان دور سازد (۴). کتاب «ادب‌الطبيب» در بیست باب نگارش یافته است و نویسنده در آن آدابی را برای پزشکان، داروسازان، پرستاران، خانواده و نزدیکان بیمار یادآور شده است. این اثر مشتمل بر دو گفتار است که گفتار اول در هفت باب و گفتار دوم در سیزده باب تنظیم یافته است.

بررسی کتاب ادب‌الطبيب

نخستین باب از گفتار اول کتاب «ادب‌الطبيب» به مباحث اعتقادی و اخلاقی پزشک اختصاص دارد و نویسنده در آن بر اهمیت ایمان و عقیده پزشک به خداوند و نبوت، همچنین توجه به اصلاح اخلاق و تهذیب نفس تأکید کرده است. در نظر رهاوی پزشک باید از اعتقادی صحیح و از ایمان به خدای یگانه و توانا برخوردار باشد که مرگ و حیات و بیماری و سلامتی به دست او است. این ایمان باید حقیقی و از عمق جان با بهره‌گیری از عقل و اعتقاد باشد. همچنین باید به رسالت پیامبران الهی که خدا آنان را برای هدایت و اصلاح بندگان فرستاده است، ایمان داشته باشد، زیرا که عقل به تنهایی نمی‌تواند راه‌گشای انسان در امور زندگی باشد (۶). رهاوی پزشکان غیر مؤمن و کج‌اندیش را که از هوای نفس پیروی می‌کنند، برای جامعه بشری افرادی خطرناک می‌داند که سرانجام کار اینان بدنامی در دنیا و عذاب اخروی است (۶). به عقیده وی موفقیت در پیروی از دستورات الهی تنها از طریق تهذیب نفس و اصلاح اخلاق امکان‌پذیر است (۶). در دومین باب کتاب، آراستگی ظاهری، پاکیزگی و نظافت پزشک را مورد توجه قرار داده است. از دیدگاه رهاوی پزشک باید هر روز به نظافت و آراستگی بدن خود توجه نماید و مسواک‌زدن و بهداشت دهان را مراعات کند. با قراردادن اندکی عود در دهان و جویدن آرام آن دهانش را خوشبو سازد. از عطر برای خوشبو ساختن خویشتن استفاده کند. در نظافت ناخن و آراستگی موهای سر و صورت کوشش نماید. پوشش وی متناسب با فصول سال باشد، در فصل سرما لباس‌های گرم‌کننده بر تن کند و در فصل گرما از جامه‌های لطیف و نازک استفاده نماید (۶). رهاوی معتقد است پزشک باید از

اخلاق نیکو و سعه صدر برخوردار شود. ناراحتی و اندوه بیماران را تحمل کند و نسبت به سخنانی که از روی ناآگاهی بر زبان جاری می‌کنند، توجه ننماید، بلکه از گفته‌های آنان آنچه به سود بیماران است، دریابد و در بهبودی ایشان به کار بندد. پزشک باید نسبت به بیماران مهربان باشد و این جز از طریق پرهیزکاری و ترس از خدای متعال به دست نمی‌آید (۶). به عقیده رهاوی پزشک باید در نگاه‌کردن به بیمار خویشتن‌دار باشد و جز به مقداری که برای عمل لازم است، چشم ندوزد. او باید چشم پاک و نجیب باشد و از جذب زنان زن‌بارگی دوری گزیند. رازدار و امین بیماران باشد، به مال آنان طمع نداشته باشد و بیش از دستمزد خود چیزی از بیماران مطالبه ننماید (۶). تأکید بر پاک‌چشمی نسبت به بیماران، حفظ رازهای آنان و عدم طمع‌ورزی به اموالشان ناظر به اصل اخلاقی امانت‌داری است، زیرا ناموس، راز و مال بیمار، هر یک امانتی در نزد پزشک است که باید از خیانت مصون بماند (۷). امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: امانت‌دار نیست مگر کسی که سه امانت را حفاظت نماید: اموال، اسرار و نوامیس و اگر دو امانت را حفاظت کند و در یکی خیانت بورزد، امین شناخته نمی‌شود (۸). در نگاه رهاوی پزشک باید با تهیدستان و ضعیفان با عدالت رفتار نماید تا افراد توانگر و ناتوان بتوانند از خدمات پزشکی بهره‌مند شوند (۶). باید از بخل‌ورزیدن پرهیز کند و از بذل جان برای دوست و دشمن، موافق و مخالف دریغ نداشته باشد (۶). پزشک باید اهل مطالعه و دانش‌اندوزی باشد و در زمینه‌های حرفه‌ای دارای تخصص باشد و بر اساس اصول علمی و تجربه، فعالیت‌های خود را انجام دهد، مثلاً در محل تاریک و در مسیر وزش باد از فصد بیمار خودداری کند و هیچ نابالغی را بدون اجازه سرپرست و والدینش فصد ننماید (۶). دوری‌جستن از پرگویی و مجادله با افراد جاهل، پرهیز از پرخوابی و باده‌نوشی و اعتدال در خوردن و آشامیدن (۶)، خواسته خود را برای دیگران خواستن، بخشش و احسان به مردم، قناعت‌پیشه‌کردن، دلیر، گشاده‌دست و صادق‌بودن، دوری‌گزیدن از جاه‌طلبی و لجاجت، از دیگر خصایص عمومی است که رهاوی مراعات آن‌ها را برای پزشک لازم و ضروری می‌داند (۶). به عقیده رهاوی اگر

پزشکی این ویژگی‌ها را دارا باشد، از او جز حقیقت شنیده نمی‌شود و اعمال وی نیز به خیر و صلاح مردم خواهد بود (۶). نکته دیگری که رهاوی بدان اشاره می‌کند، آن است که پزشک باید نسبت به مکان بستری‌شدن بیمار متناسب با فصول سال و نوع بیماری توجه نماید، باید هوای مکانی را که بیمار در آن بستری شده است با بخورها، گل‌ها و گیاهان خوشبو معطر سازد و از مجاورت بیمار با بوهای نامطبوع جلوگیری کند (۶). در باب چهارم، وظایف پرستار را در رسیدگی به امور بیمار، مورد بررسی قرار داده، خاطرنشان می‌سازد که سوء امانتداری پرستار برای بیمار بسیار خطرناک است و این گاه بر اثر آزمندی پرستار رخ می‌دهد و آن هنگامی است که بیمار با بذل و بخشش خود به پرستار، از او می‌خواهد که خواسته وی را برآورده سازد و زمانی هم در اثر دریافت چیزی است که دشمنان بیمار در اختیار پرستار قرار می‌دهند تا مطابق میل ایشان با بیمار رفتار کند (۶). همچنین پرستار باید از نقل اخبار غم‌انگیز و دردآور به بیمار پرهیز کند و تمام اموری را که درباره بیمار انجام می‌دهد، با دستورات پزشک هماهنگ سازد. در غیر این صورت درمان بیمار را تباه خواهد ساخت (۶). پرستار اگر مهربان و دلسوز به حال بیمار نباشد، از سهل‌انگاری و خطای او در خدمت‌رسانی به بیمار نمی‌توان در امان بود (۶) و از آنجا که پرستار باید مطابق نظر پزشک از بیمار مراقبت نماید، بر پزشک لازم است پیوسته اطلاعاتی را که پرستار درباره بیمار بدان نیازمند است، در اختیار او قرار دهد (۶). رهاوی برای پرستار شایسته دو ویژگی را ضروری می‌داند: نخست عقل و درایت؛ دیگری حرف‌شنوی و فرمان‌برداری از دستورات پزشک. وی فقدان هر یک از این دو را در پرستار، نقصی بزرگ به شمار آورده، وی را شایسته انجام وظیفه مهم پرستاری نمی‌داند (۶). رهاوی معتقد است: پرستار باید عاقل، بادب، شیفته، علاقمند و توانا بر انجام اموری باشد که برای بیمار مفید است (۶). برخی از بیماران نمی‌توانند احوال و احساسات خود را برای پزشک بازگو نمایند و این حالت گاهی به دلیل شرایطی است که بیماری برای آنان به وجود آورده است، مانند کسانی که دچار سکته و امثال آن شده‌اند و یا به دلیل این است که بیمار طفل و غیر عاقل و

خارجی و یا لال است و نمی‌تواند حال خود را برای پزشک بازگو کند. در این‌گونه موارد پزشک باید از طریق پرستاران از احوال بیماران باخبر شود و این کار زمانی تحقق می‌یابد که پزشک رهنمودهای لازم را در این زمینه در اختیار پرستاران قرار داده باشد (۶). در باب ششم نکاتی درباره دارو و پزشک داروساز بیان شده است. رهاوی خاطرنشان می‌کند که داروساز باید از تجویز داروهای کهنه که تاریخ مصرف آن‌ها گذشته است، پرهیز کند، زیرا این داروها خاصیت و کارایی خود را از دست داده و فاسد شده‌اند (۶). داروفروش باید از دادن داروی سقط جنین به زنان بدون اجازه پزشک اجتناب نماید. همچنین از دادن سم‌ها و زهرها به کسی غیر از پزشک مورد اعتماد نیز خودداری کند (۶). وی پس از اشاره به برخی از شگردهای داروسازان بی‌دین در ساختن داروهای تقلبی که گاهی موجب گمراهی و عدم تشخیص پزشک معالج نیز می‌شود، نسبت به جان‌باختن عده کثیری از بیماران در اثر چنین اعمالی هشدار می‌دهد (۶). رهاوی در باب شانزدهم درباره ضرورت آزمودن پزشکان سخن گفته است. وی پس از اشاره به منزلت و شرافت انسان که موضوع علم پزشکی است، خطا و اشتباه پزشک را به مراتب خطرناک‌تر و جبران‌ناپذیرتر از خطا و اشتباهات صاحبان مشاغل دیگر دانسته است. از این رو تأکید کرده است که باید از طریق آزمودن و تحقیق، پزشکان دانشمند را از مدعیان پزشکی بازشناخت تا در نتیجه آن، جان انسان‌ها از خطاها و اشتباهات پزشک نمایان مصون بماند (۶). در پایان بررسی کتاب ادب‌الطبيب جا دارد بر این نکته تأکید شود که رهاوی پزشک مسلمان و با ایمانی است که از آموزه‌های اسلامی بهره برده است و همچون دیگر پزشکان دوره اسلامی از آرا و افکار پزشکان پیشکسوت یونانی تأثیر پذیرفته و در جای‌جای کتاب ادب‌الطبيب به اقوال آنان استناد کرده است، لیکن جامعیت و انسجام کتاب ادب‌الطبيب در اخلاق پزشکی در مقایسه با آثار پیش از خود همچون سوگندنامه معروف بقراط پزشک یونانی (۹) و سوگندنامه عساف پزشک یهودی (۱۰) و یا توصیه‌های اخلاق پزشکی علی بن سهل بن ربن طبری در کتاب فردوس الحکمه فی الطب (۱۱) را نباید انکار کرد.

- پرهیز از لجاجت.
- رفتار عادلانه با مردم.
- پرهیز از باده‌نوشی.
- پرهیز از شوخی کردن بسیار.

جدول ۱: توصیه‌های اخلاقی ناظر به تعامل پزشک و بیمار و اصول اخلاق پزشکی مورد نظر در کتاب ادب‌الطبيب

اصول اخلاق پزشکی مورد نظر	نکات اخلاقی مورد اشاره
اصل امانتداری	۱ پرهیز از نگاه به نامحرمان
اصل توکل به خدا	۲ یاری‌خواستن از خدا در معالجه بیماران به هنگام عیادت آنان
اصل سودرسانی به بیمار	۳ در انتظار بیماران نشستن و با آنان به نیکی سخن گفتن
اصل شفقت و مهربانی	۴ مهربانی و دلسوزی نسبت به بیمار
اصل سودرسانی و اصل عدم آسیب‌رسانی	۵ سودرسانی به بیمار و پرهیز از آسیب‌رسانی به وی
اصل عدم آسیب‌رسانی	۶ پرهیز از اموری که به مصلحت بیمار نیست.
اصل عدم آسیب‌رسانی	۷ پرهیز از سقط جنین
اصل عدالت، اصل امانتداری و اصل شفقت	۸ دادگری، پاک‌دامنی، مهرورزی
اصل عدالت	۹ دستمزد، بیش از حق خود را مطالبه نکردن
اصل امانتداری	۱۰ پاک‌چشمی به هنگام اعمال پزشکی
اصل امانتداری	۱۱ فاش نکردن اسرار بیماران
اصل عدالت	۱۲ پیشه‌کردن عدالت در برخورد با بیماران تهیدست
اصل عدالت	۱۳ خدمت به دوست و دشمن
اصل عدم آسیب‌رسانی	۱۴ عدم دریافت دستمزد از بیماران تهیدست در صورتی که برای آنان دشوار باشد و دچار آسیب شوند.
اصل سودرسانی	۱۵ برای بیمار آن را بخواهد که برای خود می‌خواهد.
اصل احسان	۱۶ احسان نمودن به بیماران

بعد از تألیف ادب‌الطبيب توسط رهاوی پزشکان برجسته دیگری در جهان اسلام درخسیده‌اند که آنان نیز در آثار پزشکی خود توصیه‌ها و دستورالعمل‌های اخلاقی را مورد اشاره و تأکید قرار داده‌اند. محمد بن زکریای رازی از پزشکان قرن سوم قمری در لابلاي کتاب الحاوی فی الطب و المنصوری فی الطب که از معروف‌ترین آثار پزشکی او است به نکاتی در اخلاق پزشکی اشاره کرده است. وی در دست‌نوشته‌ای با عنوان «رساله لای بکر محمد بن زکریاء الرازی الی بعض تلامذته» نیز نکات مهمی از اخلاق پزشکی را یادآور شده است که می‌تواند به عنوان ضابطه اخلاقی، رابطه پزشک و بیمار را ترسیم نماید (۱۲). در فاصله قرن چهارم تا اواخر قرن ششم قمری نیز پزشکان بلندآوازه‌ای مانند اهوازی در کتاب کامل الصناعه‌الطبيه، ابن سینا در القانون فی الطب و جرجانی در ذخیره خوارزمشاهی، بایسته‌های اخلاقی در حرفه پزشکی را یادآور شده و بر پابندهی بدان‌ها تأکید نموده‌اند (۳)، ولی از آنان نیز اثر مستقلى همچون ادب‌الطبيب در اخلاق پزشکی گزارش نشده است.

توصیه‌های اخلاقی ناظر به ویژگی‌های شخصیتی پزشک در کتاب ادب‌الطبيب

- پرهیز از شنیدن سخنان بیهوده.
- پرهیز از گفتار ناپسند.
- پرهیز از پرخواهی.
- مراعات عفت و متانت.
- پرهیز از خشم.
- همراه کردن سخنان زیبا با کردار زیبا.
- پرهیز از لهو و لعب.
- پرهیز از کینه‌توزی، حسادت و آزمندی.
- نرمش، تواضع و چشم‌پوشی از خطای دیگران.
- مراعات اعتدال در خوردن و آشامیدن.
- پاکیزه نگه‌داشتن بدن.
- مراعات بهداشت دهان و دندان.
- استعمال بوی خوش.
- پرهیز از جاه‌طلبی.

جدول ۲: توصیه‌های اخلاقی ناظر به تعامل پزشک داروساز و بیمار

و اصول اخلاق پزشکی مورد نظر در کتاب ادب‌الطبيب

نکات اخلاقی مورد اشاره	اصول اخلاق پزشکی مورد نظر
۱ پزشک داروساز باید از به کار بردن داروهای کهنه که تاریخ مصرف آن‌ها گذشته است، پرهیز نماید.	اصل عدم آسیب‌رسانی
۲ پزشک داروساز باید امانتدار باشد و در ساختن دارو تقلب ننماید.	اصل امانتداری و اصل عدم آسیب‌رسانی
۳ پزشک داروساز باید از دادن دارو، بدون تجویز پزشک خودداری نماید.	اصل عدم آسیب‌رسانی
۴ پزشک داروساز باید از دادن داروهای سقط جنین بدون اجازه پزشک به افراد خودداری کند.	اصل عدم آسیب‌رسانی

جدول ۳: توصیه‌های اخلاقی ناظر به تعامل پرستار و بیمار و اصول اخلاق پزشکی مورد نظر در کتاب ادب‌الطبيب

اخلاق پزشکی مورد نظر در کتاب ادب‌الطبيب

نکات اخلاقی مورد اشاره	اصول اخلاق پزشکی مورد نظر
۱ پرستار باید خردمند، باادب، عاشق و قادر بر انجام اموری باشد که به حال بیمار مفید است.	اصل سودرسانی
۲ پرستار باید از انتقال اخبار ناراحت‌کننده به بیمار پرهیز نماید.	اصل عدم آسیب‌رسانی
۳ پرستار باید نسبت به اموری که بر عهده دارد، امانتدار باشد.	اصل امانتداری

۲- حکیم محمدحسین عقیلی خراسانی

نام او محمدحسین و نام پدرش محمدهادی است. محل ولادتش معلوم نیست و از ازدواج، همسر و فرزندان او نیز اطلاعی در دست نیست. خانواده او همه از بزرگان عرصه طب در روزگار خود بوده‌اند (۱۳). عقیلی از تجربیات استاد خود، علوی‌خان، پدر و دیگر اقوامش استفاده‌های فراوانی برده که در آثار خود بدان‌ها اشاره کرده است (۱۴). وی در ابتدای کتاب «مخزن‌الادویه» می‌گوید از عنفوان جوانی طب را نزد پدر آموخته، سپس اشاره می‌کند که استادش میرمحمدعلی الحسینی بوده است (۱۴). از دیگر استادان عقیلی نیز اطلاع

دقیقی در دست نیست (۱۴). عقیلی آثار متعددی در طب به رشته تحریر درآورده است که در پیشگفتار مصحح کتاب خلاصه‌الحکمه بدان‌ها اشاره شده است.

بررسی کتاب خلاصه‌الحکمه

خلاصه‌الحکمه از جمله کتاب‌های اصیل پزشکی به زبان فارسی است که دانشمند برجسته ایرانی حکیم میرمحمدحسین عقیلی خراسانی به سال ۱۱۹۵ ق. از خود به یادگار گذاشته است (۱۴). این اثر بارزش در سال ۱۳۸۵ ش. توسط اسماعیل ناظم با استفاده از نسخ خطی و چاپی که تعداد آن‌ها از پنج نسخه تجاوز نمی‌کند، تصحیح شده و در سه مجلد به سفارش مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی طب اسلامی و مکمل توسط انتشارات اسماعیلیان به چاپ رسیده است. عقیلی خراسانی که از پزشکان برجسته و بالیمان و متخلق به اخلاق جهان اسلام به شمار می‌رود، عقاید و باورهای خود را که بدان‌ها ملتزم بوده است، در قالب آداب اخلاقی حرفه پزشکی در کتاب خلاصه‌الحکمه به رشته تحریر درآورده است که گزارش آن به قرار زیر است. وی در نخستین فصل جلد اول به بیان تعریف، غایت و موضوع علم پزشکی پرداخته است (۱۴) و در فصل دوم، فضیلت و شرافت آن را شرح داده است (۱۴). در فصل سوم کتاب، دانستن ده علم را برای پزشک لازم و ضروری می‌داند و ضمن برشمردن آن علوم به شرح و توضیح هر یک می‌پردازد. علوم مورد اشاره عقیلی عبارت‌اند از: علم فقه و حدیث، اخلاق، حکمت، منطق، طبیعی، هندسه، هیأت، احکام نجوم، حساب و علم فراست (۱۴). مؤلف در ادامه گفتار خود، تحت عنوان «آداب و اخلاق طبیب معالج» به کاربرستن امور بیست و دوگانه‌ای را برای پزشک ضروری می‌داند که آن امور در حقیقت توصیه‌های اخلاقی وی به جامعه پزشکی است. عقیلی در امر اول می‌گوید: پزشک باید به هنگام درمان بیمار، خدای متعال را شافی حقیقی بداند و همواره از او استمداد بخواهد، استاد خویش را تکریم کند و بر این نعمت شاکر و سپاسگزار باشد، زیرا معلم و استاد در تأمین حیات روحانی و معنوی متعلم نقشی اساسی بر عهده دارد و اوست که متعلم را از تنگنای جهل و ظلمت نجات می‌دهد. از این رو معلمان بر تعظیم و

تکریم سزاوارترند. پزشک باید در سخن دیگران تأمل کند و در صدد رد و انکار آن نباشد و از معارضه و مقابله با دیگران به حق باشد یا باطل، پرهیز کند. نسبت به دیگر پزشکان بی‌حرمتی روا ندارد و خطای دیگران را مایه افتخار و ارجمندی خویش قرار ندهد، بلکه از آن، برای تنبه و آگاهی خود استفاده کند (۱۴). عقلی در آغاز این بخش از گفتار خود، از توکل و خودسپاری پزشک به خدای متعال سخن می‌گوید، زیرا در نظر او درمانگر حقیقی خدا است و او است که در معاینه و معالجه بیمار، پزشک را یاری می‌دهد و موجب آرامش و اطمینان خاطر وی می‌شود (۱۴). نکته مهم دیگری که مورد اشاره عقلی در این گفتار است، ضرورت تکریم و پاسداشت مقام معلم و استاد است، چراکه در پرتو به کارستن این اصل مهم، دانشجو می‌تواند از کمالات و توانایی‌های استاد خویش بهره‌مند شود و آموزه‌های او را چراغ راه خود قرار دهد. در امر دوم می‌گوید: پزشک باید با اخلاق و کلام نیکو و چهره گشاده از بیماران عیادت و احوال‌پرسی کند و اگر سوءرفتاری از آنان سرزند، تندی نکند و ایشان را از خود نرنجاند. سخنان یأس‌آور به آنان نگوید، بلکه با مهربانی و مدارا به حرف‌های ایشان گوش سپارد و با گفتار نیکو بیماران را از ناپرهیزی و خطا بازدارد (۱۴). در امر سوم می‌گوید: پزشک باید رازدار اسرار بیماران باشد و از افشای بیماری آنان خودداری کند، به ویژه در نزد کسانی که بیماران تمایل ندارند اسرارشان بازگو شود، زیرا بسیاری از ایشان، بیماری‌های خود را از نزدیک‌ترین افراد خانواده خود پنهان می‌دارند (۱۴). در امر چهارم می‌گوید: اگر شخصی در اثر معاشرت با افرادی که به بیماری‌های مسری مبتلا هستند، بیمار شود و برای درمان به او مراجعه کند، بیمار را مورد ملامت و سرزنش قرار ندهد، بلکه با اخلاق نیکو او را مداوا کند و بعد از بهبودی، وی را از مباشرت و معاشرت با افراد مبتلا به بیماری‌های مسری و منتقل‌شونده جنسی برحذر دارد (۱۴). در امر پنجم می‌گوید: پزشک باید بر معالجه و درمان بیماران حریص باشد و در مطالعه و تحقیق بیماری‌ها و شناختن داروها از طریق مشاهده و تجربه کوشش نماید. با استادان حاذق و پزشکان ماهر مذاکره و گفتگو کند و سخنان حق و صادقانه آنان را بپذیرد و سهو و اشتباه خود را قبول کند

و بر آن اصرار نرزد، زیرا که چنین رفتاری نشانه جهل مرکب است (۱۴). در امر ششم می‌گوید: پزشک نباید سخن ضعیف، سخیف و باطل کسی را به صراحت انکار کند که باعث شرمندگی او شود، به ویژه در جمع دیگران، بلکه تا می‌تواند به شایستگی و با حسن کلام، آن سخن را توجیه نماید (۱۴). در امر هفتم می‌گوید: اگر بیماری نزد او آید و یا او با بیماری مواجه شود که پیش از آن نزد طبیبی حاذق‌تر از او تحت درمان بوده و حالش رو به بهبود است، با حسن کلام و گشاده‌رویی از او بخواهد تا با تدابیر همان پزشک به درمان خود ادامه دهد تا ان شاء الله سلامتی کامل به دست آورد (۱۴). در امر هشتم می‌گوید: اگر ببیند که پزشکی در معالجه بیماری رأی صحیح و صائب ندارد و درمانش بر خطا است، در خلوت و پنهانی، بیمار و یا اولیا و پرستاران او را آگاه سازد و از آنان بخواهد تا به پزشک دیگری مراجعه نمایند (۱۴). در امر نهم می‌گوید: اگر پزشک با بیماری مواجه شود که او را معتقد به خود نداند و یا این‌که او را متزلزل و متردد و مایل به طبیب دیگر تشخیص دهد و یا بیمار حرف‌ش نوی نداشته باشد و ناپرهیزی کند و برخلاف دستورات او عمل نماید، از بیمار و اولیا و پرستارانش عذرخواهی کند و بخواهد تا بیمار را به پزشک دیگر ارجاع دهند (۱۴). در امر دهم می‌گوید: اگر تدابیر او در معالجه و درمان شخص بیمار مؤثر واقع نشود و معالجه به طول بینجامد، با حسن اخلاق و گشاده‌رویی از بیمار یا اولیای وی و یا از پرستارانش عذرخواهی کند و او را به پزشک حاذق‌تر ارجاع دهد و با لجاجت در ادامه درمان، به وی آسیب نرساند (۱۴). عقلی در امر یازدهم تا شانزدهم از توصیه‌هایش به پزشک معالج، اصول درمان را مورد توجه قرار می‌دهد و به تفصیل درباره آن‌ها سخن می‌گوید و به تناسب بیماری‌ها و شرایط بیمار، نحوه استفاده از داروها را از حیث کمیت و کیفیت، مفرد و مرکب، متناسب با فصول سال آموزش می‌دهد و نسبت به درمان بیماری که به چندین مرض مبتلا شده است، راه‌کار ارائه می‌دهد و یادآور می‌شود که پزشک باید ابتدا در پی درمان مرضی باشد که عامل اصلی بیماری‌های دیگر است و یا این‌که درمان را از مرضی آغاز کند که مهم‌تر است و بر درمان غلط اصرار نرزد و از صواب آن نیز غفلت

نماید تا در نتیجه این تدابیر نوع بیماری شناخته شود و حال بیمار بهبود یابد (۱۴). در امر هفدهم دو اصل مهم اخلاقی را مورد توجه قرار داده می‌گوید: پزشک باید همواره از رسیدن ضرر و زیان به بیمار جلوگیری کند و در پی خیررسانی به او باشد. هرگز نباید از داروهای زیان‌آور و کشنده و داروی سقط جنین استفاده کند. همچنین باید از به کار بردن داروهای فاسد کننده برخی از اعضا، مانند چشم و گوش و تضعیف‌کننده بعضی دیگر مانند ادراکات مغزی و نیروی جنسی خودداری نماید، مگر هنگامی که عدم تضعیف و کنترل نیروی جنسی جان بیمار را به خطر اندازد که در چنین شرایطی کنترل و تضعیف آن جایز است (۱۴). در امر هجدهم نیز به دیگر اصول اخلاقی در باب آموزش دانشجویان و تعامل با بیماران اشاره می‌کند و می‌گوید: پزشک نباید در آموختن پزشکی و مداوای بیماران بخل بورزد، بلکه باید بدان امور حریص و بر شاگردان و بیماران شفیق و مهربان باشد و همواره از احوال ایشان باخبر و به فکر اصلاح و ترقی آنان باشد و بین فقرا و اغنیاء فرق نگذارد و بر امثال خود فخر نفروشد و به دیده حقارت ننگرد، اگرچه فقیر و دون پایه باشند، بلکه بر ایشان تفقد و مهربانی بیشتر روا دارد (۱۴). در امر نوزدهم می‌گوید: پزشک نباید بر شاگردان و بیماران منت بگذارد، بلکه باید آنان را وسیله پیشرفت و موفقیت خود در حرفه پزشکی بداند (۱۴). در امر بیستم می‌گوید: طبیب باید قانع، شاکر، راضی، سخی و عالی همت باشد و طماع، حریص و بخیل نباشد. بر مال و منال شاگردان و بیماران طمع نداشته باشد و از ایشان چیزی مطالبه نکند. اگر آنان با میل و رغبت هدیه‌ای برای او آوردند، بپذیرد و آن را رد نکند، اما اگر به دلایلی برای او چیزی بیاورند که از صمیم قلب بدان راضی نباشند، باید از پذیرش آن خودداری نماید (۱۴). در امر بیست و یکم می‌گوید: پزشک باید از درمان بیمار بدحالی که مدت‌ها تحت معاینه، تدبیر و آزمون دیگر پزشکان و مجربین بوده است، خودداری نماید و موجبات ناتوانی و حقارت خویش را فراهم نسازد (۱۴). او در امر بیست و دوم که بخش پایانی توصیه‌های اخلاقی او است، بار دیگر بر کسب تقوا و فضایل اخلاقی و دوری از رذایل تأکید کرده می‌گوید: پزشک باید از پرگوئی، پرخواری، عیش و نوش

و هزل و لطیفه‌گویی اجتناب کند و از شرب خمر و دیگر مسکرات و ارتکاب مناهی نیز پرهیز نماید. پزشک باید از نگاه حرام بر محارم مردم خودداری کند و خود را به اوصاف و اخلاق حسنه متصف ساخته و از اوصاف سیئه و اخلاق رذیله دور نماید و همواره از عذاب و عقاب الهی ترسان و به ثواب پاداش او امیدوار باشد (۱۴). توصیه‌های اخلاقی ناظر به تعامل پزشک و بیمار و اصول اخلاق پزشکی مورد نظر عقیلی خراسانی در کتاب خلاصه‌الحکمه در جدول ۴ آمده است.

توصیه‌های اخلاقی ناظر به ویژگی‌های شخصیتی پزشک در کتاب خلاصه‌الحکمه

- پرهیز از پرگوئی، پرخوری، عیش، نوش، هزل و لطیفه‌گویی.
- اجتناب از شرب خمر و دیگر مسکرات و ارتکاب مناهی.
- اجتناب از نگاه حرام بر محارم مردم.
- تخلق به اخلاق حسنه و پرهیز از اخلاق سیئه.
- ترسان از عذاب و عقاب الهی و امیدوار به ثواب و پاداش او.
- قانع، شاکر، راضی، سخی و عالی‌همت‌بودن.
- طماع، حریص و بخیل‌نبودن.
- حریص‌بودن به تحقیق، مطالعه و مشاوره با اطباء ماهر.
- حریص‌بودن بر معالجه و درمان بیماران.
- پذیرش سخنان حق و صادقانه.
- عدم اصرار بر اشتباه و خطای خود.
- پرهیز از فخرفروشی.

توصیه‌های اخلاقی ناظر به تعامل پزشک با استادان، همکاران و دانشجویان در کتاب خلاصه‌الحکمه

- تکریم استادان.
- احترام به همکاران.
- عبرت‌گرفتن از خطای دیگران.
- انکار نکردن سخن ضعیف، سخیف و باطل افراد به ویژه در جمع دیگران.
- بخل‌نورزیدن در آموزش دانشجویان.
- شفقت و مهربانی با دانشجویان.
- منت‌نگذاردن بر دانشجویان.

جدول ۴: توصیه‌های اخلاقی ناظر به تعامل پزشک و بیمار و اصول

اخلاق پزشکی مورد نظر در کتاب خلاصه‌الحکمه

اصول اخلاق پزشکی مورد نظر	نکات اخلاقی مورد اشاره
اصل توکل به خدا	۱ درمانگر حقیقی خدا است و او است که در معاینه و معالجه بیمار، پزشک را یاری می‌دهد و موجب آرامش و اطمینان خاطر وی می‌شود.
اصل سودرسانی	۲ با اخلاق و کلام نیکو و چهره گشاده از بیماران عیادت و احوال‌پرسی کردن.
اصل سودرسانی	۳ به حرف‌های بیمار گوش‌دادن
اصل سودرسانی	۴ پرهیز از سخنان یأس‌آور
اصل شفقت	۵ شفقت و مهربانی و مدارا با بیماران
اصل عدالت	۶ برخورد یکسان با فقرا و اغنیا
اصل امانتداری	۷ رازدار اسرار بیماران باشد
اصل سودرسانی	۸ پرهیز از ملامت و سرزنش بیمار
اصل سودرسانی	۹ بیماران را از ناپرهیزی و خطا بازداشتن
اصل عدم آسیب‌رسانی	۱۰ پرهیز از به کار بردن داروهای زیان‌آور، کشنده و سقط‌جنین
اصل سودرسانی	۱۱ ارجاع بیمار به طبیب حاذق‌تر
اصل سودرسانی	۱۲ ارجاع بیمار به طبیب مورد اعتماد بیمار
اصل عدم آسیب‌رسانی، اصل سودرسانی	۱۳ ارجاع بیماری که به درمان پاسخ نمی‌دهد به پزشک حاذق‌تر
اصل سودرسانی	۱۴ رعایت اصول درمان شامل نحوه استفاده از داروها، نحوه درمان بیماری هنگام اجتماع چند مرض، نحوه درمان علت اصلی بیماری
اصل سودرسانی	۱۵ بیمار را از مباشرت و معاشرت با افراد مبتلا به بیماری‌های مسری و منتقل‌شونده جنسی برحذر داشتن
اصل احسان	۱۶ منت‌نگذاردن بر بیماران

در آن علاوه بر ویژگی‌های شخصیتی پزشک، ناظر به تعامل پزشک و همکاران، پزشک و بیمار، پزشک داروساز و بیمار، داروفروش و بیمار، و پرستار و بیمار است. مبنای دستورالعمل‌های اخلاقی رهاوی در ادب‌الطیب نیز هفت اصل اخلاقی: توکل به خدا، سودرسانی، عدم آسیب‌رسانی، امانتداری، عدالت، شفقت و احسان است که در جدول‌های شماره ۱، ۲ و ۳ بدان‌ها اشاره شده است.

۲- حکیم عقیلی خراسانی از جمله پزشکان مسلمان و بالیامانی است که در دوره افول تمدن اسلامی در کتاب خلاصه‌الحکمه به طور نسبتاً جامع به طرح مباحث اخلاق پزشکی همت گمارده است. توصیه‌ها و نکته‌های اخلاقی وی علاوه بر ویژگی‌های شخصیتی پزشک، ناظر به رابطه پزشک و همکاران، پزشک و دانشجویان و پزشک و بیماران است که مبنای آن‌ها نیز هفت اصل اخلاقی: توکل به خدا، سودرسانی، عدم آسیب‌رسانی، عدالت، امانتداری، شفقت و احسان است که در جدول شماره ۴ آمده است.

۳- مطابقت اصول اخلاقی به دست‌آمده از کتاب خلاصه‌الحکمه عقیلی خراسانی که در دوره افول تمدن اسلامی نگارش یافته با اصول اخلاقی به دست‌آمده از کتاب ادب‌الطیب رهاوی که در آغاز دوره شکوفایی تمدن اسلامی به رشته تحریر درآمده، حاکی از آن است که اصول هفت‌گانه مذکور از اصول مهم اخلاق پزشکی در دوره اسلامی بوده است که پزشکان بر پایبندی و مراعات آن‌ها تأکید نموده‌اند.

نتیجه‌گیری

۱- کتاب «ادب‌الطیب» را باید به لحاظ قدمت و فراوانی مطالب اولین اثر منسجم و جامع در اخلاق پزشکی دوره تمدن اسلامی به شمار آورد، زیرا توصیه‌ها و دستورالعمل‌های اخلاقی

References

1. Majlesi M. Baharalanvar. Beirut: Al-Vafa Institution; 1984.
2. Amodi A. Gurar al-Hekam & Dorar al-Kalem. Qom: Advertisement Office Publication; 1987.
3. Aqayani Chavoshi A. An Analytical Look on History of Islamic Medical Ethics: A Case Study of Ibn al-Ja'zar, Ahwazi, Ibn Sina and Jorjani Books. *Iranian Journal of Medical Ethics and History of Medicine* 1997; 11(1): 126-138.
4. Al-Samarai K, Salman Ali D. Introduction to the Doctor's Literature. In: Al-Rahawi E. Baghdad: General Cultural Affairs Arab Horizons; 1992.
5. Osaibe IA. Eyes news In the layers of doctors. Beirut: Life Office Publication; No Date.
6. Al-Rohawi E. Doctor's Literature. Investigated by Al-Samarai K, Salman Ali D. Baghdad: General Cultural Affairs Arab Horizons; 1992.
7. Aghayani Chavoshi A. The Concept of Trusteeship, Its Scope and Its Application in Islamic Medical Ethics. *Ethical Research* 2015; 5(2): 5-16.
8. Harrany H. Tohaf al-Oghool. 1st ed. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom Islamic Publishing Office; 1984.
9. Larijani B. Health Care Professional and Ethical Issues. 2nd ed. Tehran: For Tomorrow; 2018. p.46-47.
10. Isidore S. Le serment medical d'Assaph, medcin juif du VIIe siècle Avec une etude comparative du "serment d'Hippocrate" de la "priere medicale" de Maimonide et du "serment de Montpellier. Paris: Melanges D'histoire de la Medecine Hebraique; 2003.
11. Raban T. Firdows al-Hikmah fi al-Tib. Edited by Zobair al-Seddighi M. Berlin: Aftab; 1928.
12. Aqayani Chavoshi A. A Reconsideration of the Principles of Medical Morality in Mohammad Ibn Zakariya Razi. *Research Quarterly in Islamic Ethics* 2017; 10(35): 68-75.
13. Nazem M. Preface to the Summary of wisdom. In: Aghili Khorasani M. Qom: Ismailian Publications; 2006.
14. Aghili Khorasani M. Summary of wisdom. 1st ed. Qom: Ismailian Publications; 2006.